

یادداشت

ترامپ «فرصت خطرناک» است

۲) در سال ۲۰۱۶، نه جنگ اوکراین آغاز شده بود و نه در خاورمیانه شدت تخاصصات فعال شده بود. در سال ۲۰۱۶ حتی جنگ سوریه نیز پس از ورود روسیه، از آثارشسیسم وارد فاز مدیریت بحران شده بود. (۳) در سال ۲۰۱۶ ایران و عربستان در سوریه و یمن و عراق وارد جنگی غیرمستقیم شده بودند، حال آنکه از سال ۲۰۱۳ پس از توافق ۱۰ مارس فرایند تنش‌زدایی با یکدیگر را آغاز کردند. (۴) در ۲۰۱۶ پویایی‌های تنش‌زا در خلیج فارس بر پویایی‌های تنش‌زداغلبه داشتند. درحالی‌که در ۲۰۲۴ غلبه با پویایی‌های تنش‌زداست. (۵) جنگ ترکیبی در سال ۲۰۱۶ میان ایران و اسرائیل در جریان بود اما در ۲۰۲۴ جنگ مستقیم میان آنها آغاز شده است. بنابراین الزامات ساختاری در ۲۰۲۴ با سال ۲۰۱۶ بسیار متفاوت است. دولت آینده ترامپ را باید براساس رویدادهای جدید و روندهای نوپدید تحلیل کرد. اما با همه این تفاوت‌ها، جهت‌گیری سیاست خارجی ترامپ را براساس چند اصل می‌توان تخمین زد: (۱) نظام شناختی ترامپ در ۷۸سالگی تغییری نداشته است. او تاجر بوده و رویکرد تجاری به پدیده‌های سیاسی دارد. اهل بدبهبستان است و به‌راحتی از ساختارها عبور می‌کند. (۲) ترامپ اعتمادبه‌نفس بالایی دارد. او ادا و اطوار ندارد. خودش است؛ بنابراین صریح و شفاف نیاشار را آشکار می‌کند. (۳)ترامپ خودش را مقید به دیدگاه‌های مشاوران سیاسی اش نمی‌کند اما به‌شدت لای‌پنذر است. (۴) برای ترامپ سیاست داخلی بر سیاست خارجی ارجح است.در سیاست خارجی نیز ایدئالیستی می‌اندیشد و رالیستی رفتار می‌کند. (۵) ترامپ از منشور سیاست بین‌الملل به مناطق ازجمله خاورمیانه می‌نگرد. معنی این حرف این است که او سیاست‌های آمریکا در قبال ایران و دیگر مسائل منطقه‌ای را در بطن تقابل/ رقابت آمریکا با چین و روسیه تنظیم می‌کند. این پنج اصل مملو از فرصت‌ها و تهدیدهای فراوان است. به نظر می‌رسد برای درک ترامپ جدید باید کمی صوری کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز باید در قبال ترامپ جدید هوشمندانه طراحی‌های متناسب خودش را داشته باشد تا بتواند منافع حداکثری کشور را تأمین کند. در یک کلام،ترامپ فرصت خطرناک است (هم‌فرصت است، هم با اندک غفلتی تهدیدزا).

توقف مازوت‌سوزی؛ تأکیدمؤکد بر حق حیات

در این‌میان اهمیت توقف مازوت‌سوزی با تأکید بر حق بر محیط زیست سالم و حق بر سلامت که هم‌راستا با حق حیات است، به‌مراتب در درجه بالاتری قرار می‌گیرد و بر اولویت آن بر دسترسی به دیگر حقوق ازجمله حق برخورداری از برق مستمر و بهینه صحه می‌گذارد. البته این اولویت‌دهی و تأکید بر انتخاب

توقف مازوت‌سوزی باید مبتنی بر شروطی باشد تا مانع از بی‌اعتمادی مردم و سواستفاده سیاستمداران شود. از جمله اینکه باید بر اصل مشارکت تأکید کرد. این اصل از اصول بسیار مهم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که متکی به اصول دیگری ازجمله اطلاع‌رسانی و حق دسترسی به اطلاعات محیط‌زیستی، مشارکت عموم در فرایند تصمیم‌سازی وتصمیم‌گیری و در نهایت دسترسی و توسل به مراجع اداری و قضائی درباره مسائل زیست‌محیطی است. اگر این روند در پیش گرفته شود و ریل‌گذاری صحیح انجام شود، به طور حتم روند حل‌وفصل مشکلات و معضلات کشور به‌ویژه در حوزه محیط زیست تسهیل می‌شود.

سفرهای استانی؛ بازنگری وتوصیه

بنا بر برخی گزارش‌ها اکنون میانگین عمر طرح‌های نیمه‌تمام کشور، ۱۶ سال است که عدد بسیار بالایی است و نشان از اتلاف منابع دارد. این امر به ویژه در دوران تحریم و ضرورت مدیریت کارآمد منابع محدود از اهمیت بیشتری برخوردار است. اگر ندغذغه دولت‌مردان رسیدگی به مناطق محروم و کم‌پرخوردار باشد، در این صورت باید به آمایش سرزمین در برنامه مقدم با اتکا بر ظرفیت‌های استانی توجه شود. برفضاسازی ریل شد متوازن، امکان رشد بدون تورم، اصلاح ساختار بودجه، بحران‌های زیست‌محیطی و بر شایسته‌سالاری تمرکز شود. در غیر این صورت این سفرها جنبه پوپولیستی داشته، بر تعهدات دولت افزوده و موجب تشدید نافرکاری ساختار دولت خواهد شد.

یک سبز کامیون کشنده رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۲۵۷ ع ۲۸ ایران ۶۶ و شماره موتور DX۱2K309581C00 و شماره شاسی N5UGH2T81PS000015 به نام شرکت کاسپین خودرو و فرهنگ منطقه آزاد انزلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

یک سبز کامیون کشنده رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۲۵۷ ع ۲۸ ایران ۶۶ و شماره موتور DX۱2K309581C00 و شماره شاسی N5UGH2T81PS000015 به نام شرکت کاسپین خودرو و فرهنگ منطقه آزاد انزلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز کامیون کشنده رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۲۵۷ ع ۲۸ ایران ۶۶ و شماره موتور DX12K309581C00 و شماره شاسی N5UGH2T81PS000015 به نام شرکت کاسپین خودرو و فرهنگ منطقه آزاد انزلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز، کارت شناسایی و سند کمپانی خودروپژو 405GLX_XU7-CNG به رنگ نقره ای مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ۴۹ ق ۳۱۸ ایران ۹۴ و شماره موتور 124K0021637 و شماره شاسی NAAM1۱CAXCR906244 به نام آقای محسن جعفرپور مفقود گردیده اند و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

پروانه اشتغال به کار نظام مهندسی به شماره ۱۰۱۰۰۶۸۲۶ متعلق به اینجناب احمد خجسته به شماره شناسنامه ۳۹ و کدملی ۲۰۶۲۷۷۶۱۲۸ و شماره عضویت ۱۰۱۰۲۰۴۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مهندس مصطفی مازوجی انسان و سرنوشت جلسه دوم : خواست خداوند و نظام آفرینش چهارشنبه ۱۴۰۳/۸/۲۳ ساعت ۱۷:۳۰ الی ۱۹:۳۰ بلوار میرداماد نرسیده به میدان مادر شماره ۱۲۶ طبقه ۴ https://www.skyroom.online/ch/iaie/general-speech

تحلیل دستور توقف سوخت مازوت در ۳ نیروگاه کشور توسط رئیس‌جمهور مبتنی بر ۳ نظریه

نقطه‌گذاری تعادل

سیاست عدم اقدام و سلامت در همه سیاست‌ها



حمیدبهلولی

دستور رئیس‌جمهور برای توقف سوخت مازوت در نیروگاه‌های کلان‌شهرها، نقطه‌گذاری‌ای است که باعث انقطاع در سیاست گذشته و تغییر ناگهانی در مسیر سیاست انرژی ایران شده است. این تصمیم گذشته و برجسته به وضوح به عنوان یک «شکست در تعادل ایستایی قبلی» در نظر گرفته می‌شود، زیرا تحت تأثیر بحران آلودگی، سیاست قدیمی استفاده از سوخت مازوت ناگهان مورد بازنگری قرار گرفته و توقف آن در مناطق بحرانی اعلام شده است.

۳. جنبه‌های مختلف این نقطه‌گذاری و چالش‌های پس از آن

این تغییر ناگهانی پیامدهای گسترده‌ای دارد که ممکن است به تعادل‌های جدید و شاید سیاست‌های مختلفی در آینده منجر شود:

پیامدهای مثبت در سلامت عمومی: کاهش مصرف مازوت در شهرهای بزرگ می‌تواند به بهبود کیفیت هوا و کاهش بیماری‌های تنفسی و دیگر مشکلات سلامتی مرتبط با آلودگی کمک کند. این امر همچنین می‌تواند حمایت عمومی و رضایت از دولت را در میان مردم افزایش دهد.

پیامدهای منفی در تأمین برق و فشار بر زیرساخت‌های انرژی: در صورتی که توقف مصرف مازوت به کاهش شدید تولید برق منجر شود، احتمالاً کشور با کمبود برق و خاموشی‌های گسترده روبرو خواهد شد که مشکلاتی را برای صنایع و مردم ایجاد می‌کند. این مسئله می‌تواند باعث کاهش تولیدات صنعتی و تضعیف اقتصاد کشور شود.

نیز به ایجاد تغییرات ساختاری و تدوین سیاست‌های پایدار جدید: تغییرات ناگهانی ایجادشده در اثر نقطه‌گذاری نیازمند بازنگری در سیاست‌های بلندمدت انرژی و زیرساخت‌های تولید برق است. این سیاست‌ها باید به نحوی تدوین شوند که منابع جایگزین برای مازوت فراهم شود و به تدریج از سوخت‌های پاک‌تر و پایدارتر مانند گاز طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیر مثل انرژی خورشیدی استفاده شود.

۴. رو به سوی تعادل جدید

تغییرات ایجادشده در سیاست مازوت‌سوزی ممکن است با توجه به بحران ناترازی برق و تهدید خاموشی‌های گسترده به تعادلی جدید منجر شود. در این تعادل جدید، سیاست‌های انرژی باید به گونه‌ای طراحی شوند که هم‌زمان با تأمین نیازهای انرژی، اثرات زیست‌محیطی به حداقل برسد. این می‌تواند شامل:

افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر: از آنجایی که نقطه‌گذاری باعث توجه بیشتر به مشکلات آلودگی شده، ممکن است این نقطه‌گذاری به تقویت سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی منجر شود.

بهبود زیرساخت‌ها و کاهش وابستگی به مازوت: برای جلوگیری از بحران‌های مشابه در آینده، نیاز است زیرساخت‌های انرژی به گونه‌ای توسعه یابند که کشور بتواند با تنوع‌بخشی به منابع انرژی، وابستگی به سوخت‌های سنگین و آلاینده مانند مازوت را کاهش دهد.

تأثیرات مثبت بر سلامت عمومی و محیط زیست: توقف مصرف مازوت در نیروگاه‌های برق به طور مستقیم منجر به کاهش آلودگی هوا خواهد شد. با توجه به آلودگی ناشی از سوختن مازوت که شامل انتشار دی‌اکسید گوگرد، اکسیدهای نیتروژن و ذرات معلق می‌شود، حذف آن به بهبود کیفیت هوا کمک می‌کند. این اقدام تأثیر مثبتی بر سلامت عمومی، به‌ویژه در کاهش بیماری‌های تنفسی و قلبی-عروقی خواهد داشت. به‌ویژه کودکان، سالمندان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر از این کاهش آلودگی بهره‌مند خواهند شد که نهایتاً به کاهش هزینه‌های درمانی و بهبود کیفیت زندگی مردم منجر می‌شود.

تأثیرات منفی بر امنیت انرژی و ناترازی برق: با این حال، ممنوعیت مصرف مازوت به ویژه اگر به نیروگاه‌های دیگر نیز ابلاغ شود، به دلیل کمبود جایگزین مناسب، ممکن است موجب تشدید ناترازی برق شود، چراکه مازوت یکی از گزینه‌های اصلی نیروگاه‌ها در مواقع کمبود گاز طبیعی است. این ناترازی ممکن است به افزایش خاموشی‌ها منجر شود که پیامدهای اقتصادی و امنیتی درخورتوجهی را در پی خواهد داشت. صنایع مهم کشور، ازجمله صنایع فولاد، سیمان و پتروشیمی که به برق پایدار نیاز دارند، تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. کاهش تولید در این صنایع می‌تواند به کاهش تولید ناخالص داخلی (GDP) و حتی افزایش بی‌کاری بینجامد و امنیت شغلی کارگران را به خطر بیندازد و اگر سیاست مشابه در ماه‌های آینده به نیروگاه‌های دیگری در کشور که موجب آلودگی مناطق زیستی هستند، ابلاغ نشود به عنوان بی‌عدالتی زیستی مورد نكوهش اجتماعی قرار خواهد گرفت و می‌تواند خود موجب چالش سیاسی شود.

عواقب اجتماعی خاموشی‌ها و افزایش بزهکاری: افزایش خاموشی‌ها به‌ویژه در مناطق شهری می‌تواند بر امنیت اجتماعی تأثیر منفی بگذارد. تاریکی معابر و محله‌ها به‌ویژه در شب شرایط را برای ارتکاب جرائمی مانند سرقت و خونسخت‌های خیابانی مساعد می‌کند و فشار مضاعفی بر نیروهای امنیتی و قوه قضائیه وارد می‌کند. این وضعیت، همچنین می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به دولت و نارضایتی اجتماعی منجر شود.

نظریه دوم: «سیاست عدم اقدام (Inaction policy)»

سیاست عدم اقدام دو جنبه مختلف شامل بازداري از اقدام مخرب و ایجاد فشار جهت تصحیح غیرمستقیم بر سیاست‌های قبلی دارد؛ یعنی ضمن اینکه با سیاست استفاده از سوخت مازوت در سه نیروگاه با آلودگی خاص جلوگیری می‌کند، سیاست عدم اقدام به‌عنوان یک راهبرد بازدارنده در قبال ۱۷ نیروگاه بازمانده که از سوخت مازوت استفاده می‌کنند و همین‌طور صنایع آلوده‌کننده عمل می‌کنند، که بدون دخالت مستقیم و الزام‌آور، صنایع را به اتخاذ تدابیر بازدارنده از ایجاد آلودگی دعوت می‌کند. این سیاست همچنین به دولت امکان می‌دهد بدون تحمیل هزینه‌های زیاد، نقش نظارتی داشته باشد و صنایع را تشویق به پذیرش مسئولیت در کاهش آلودگی کند. این راهبرد ممکن است در کوتاه‌مدت مؤثر باشد، اما اثربخشی آن در درازمدت به تعهد صنایع و مسئولیت‌پذیری آنها و قدرت نظارت وابسته خواهد بود.

نظریه سوم: سلامت در/ برای همه سیاست‌ها (Health in/for all policies)

۱. تعریف نظریه «سلامت در/ برای همه سیاست‌ها»

این نظریه تأکید دارد که سلامت باید در هر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در نظر گرفته شود و نه صرفاً در سیاست‌های مرتبط با بخش سلامت. به این معنا که تصمیمات در بخش‌های مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی و… نیز

شرق روزانه

تحلیل دستور ریاست‌جمهوری مبتنی بر ۳ نظریه

نقطه‌گذاری تعادل

سیاست عدم اقدام و سلامت در همه سیاست‌ها

می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر سلامت جامعه داشته باشد. هدف این نظریه این است که تمام سیاست‌ها، چه در بخش عمومی و چه خصوصی، به گونه‌ای تنظیم بشوند که تأثیرات مثبت یا حداقل خنثی بر سلامت افراد و جامعه داشته باشند. داشتن پیوست سلامت یکی از راه‌های اجرایی کردن این سیاست در همه پروژه‌های کلان کشور است.

۲. تحلیل دستور ریاست‌جمهوری از منظر «سلامت در/ برای همه سیاست‌ها»

تحلیل دستور ریاست‌جمهوری با توجه به نظریه «سلامت در/ برای همه سیاست‌ها» (Health in/for All Policies) می‌تواند به ما درک بهتری از اهمیت نگاه سلامت‌محور در تصمیم‌گیری‌ها بدهد. این نظریه به ارتباط و تأثیر سیاست‌های مختلف بر سلامت عمومی جامعه اشاره دارد و تأکید می‌کند که سلامت باید یکی از اصول بنیادین در تدوین و اجرای همه سیاست‌های دولتی باشد.

اگر دستور ریاست‌جمهوری به‌عنوان یک سیاست بازدارنده از ایجاد آلودگی باشد، می‌توان آن را به‌عنوان بخشی از راهبرد «سلامت در همه سیاست‌ها» تعبیر کرد، به‌ویژه با توجه به اینکه رئیس‌جمهور خود سابقه وزارت سلامت را دارد و درباره اهمیت سلامت عمومی و عوامل تأثیرگذار بر آن آگاهی دارد. از این منظر می‌توان به تحلیل زیر پرداخت:

تمرکز بر سلامت در کنار دیگر اهداف سیاست‌گذاری: این دستور با محوریت بازدارندگی از ایجاد آلودگی در محیط، به گونه‌ای تنظیم شده که محیط زندگی و کاری افراد را سالم‌تر نگه دارد. از آنجا که آلودگی یکی از عوامل مهم در بروز بیماری‌های تنفسی، قلبی و دیگر مشکلات سلامت است، این دستور درواقع با هدف افزایش سلامت عمومی از طریق سیاست‌گذاری در زمینه محیط زیست و آلودگی عمل می‌کند.

تقویت رویکرد پیشگیرانه: نظریه «سلامت در همه سیاست‌ها» بر اقدامات پیشگیرانه تأکید دارد. به‌همین‌دلیل دستور ریاست‌جمهوری که مانع از افزایش آلودگی می‌شود، دقیقاً در همین راستا قرار دارد. در واقع، این دستور نوعی سیاست پیشگیرانه است که هدف آن کاهش ریسک‌های سلامت مرتبط با آلودگی و پیشگیری از مشکلاتی است که می‌توانند در نتیجه آلودگی رخ دهند. **هماهنگی بین بخشی و جلوگیری از تبعات جانبی:** نظریه سلامت در همه سیاست‌ها، به لزوم همکاری و هماهنگی بین بخش‌های مختلف دولتی برای تضمین سلامت عمومی اشاره دارد. این دستور می‌تواند نشانگر تلاش دولت برای هماهنگی بین سیاست‌های محیط‌زیستی و بهداشتی و صنعتی باشد تا از تبعات جانبی سیاست‌های صنعتی و توسعه‌ای که ممکن است به سلامت عمومی آسیب بزنند، جلوگیری شود.

ایجاد عدالت سلامت‌محور: از آنجا که سلامت و محیط زیست پاک، حقی هنگانی است، این دستور می‌تواند به برابری و عدالت اجتماعی نیز کمک کند. در راستای نظریه سلامت در همه سیاست‌ها، چنین دستوری می‌تواند از آسیب‌پذیری بیشتر مناطق آسیب‌پذیر در برابر آلودگی و بیماری جلوگیری کند. در واقع، این سیاست از آلودگی محیط زیست و تأثیرات منفی آن بر افراد و اقشار مختلف جلوگیری می‌کند و در نتیجه عدالت سلامت‌محور را نیز تقویت می‌کند.

تحلیل شرایط آینده سیاسی بر این رویکرد سلامت‌محور

در پایان باید توجه کرد که با انتخاب مجدد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، انتظار می‌رود سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری درباره ایران در پیش گرفته شود. این وضعیت می‌تواند شرایط موجود در ناترازی انرژی کشور را از جنبه‌های مختلف تشدید کند. اثرات احتمالی این رویداد بر بحران انرژی و مسائل زیست‌محیطی فعلی ایران می‌تواند ناشی از تشدید تحریم‌ها و مشکلات تأمین انرژی، محدودیت بیشتر در تأمین تجهیزات و فناوری‌های نوین، کاهش سرمایه‌گذاری و ممانعت از سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش مشکلات تأمین انرژی و تعطیلی صنایع، افزایش فشارهای اجتماعی و بحران‌های امنیتی، تشدید بزه‌کاری در نتیجه بحران اقتصادی و خاموشی‌ها، تشکیک ائتلاف‌های جدید علیه ایران و پیچیدگی‌های دیپلماتیک برای احیای توافقات بین‌المللی ایران در تأمین انرژی باشد. در صورت نداشتن طرح و برنامه استراتژیک برای مدیریت این شرایط ممکن است، نیروگاه‌ها بیشتر در چرخه معیوب مازوت‌سوزی و آلودگی برگردند. مدیریت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فنی ناترازی انرژی در ایران در سال‌های پیش‌رو نیازمند تدابیر ویژه خصوصاً در حوزه سیاست‌های خارجی از یک طرف و مصرف بهینه انرژی در کشور از طرف دیگر خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی

دستور توقف سوخت مازوت در شهرهای بزرگ از طرف رئیس‌جمهور، از منظر نظریه «نقطه‌گذاری تعادل»: این دستور به‌عنوان یک نقطه‌گذاری در تعادل ایستای قبلی در واکنش به بحران آلودگی و فشارهای اجتماعی تلقی می‌شود. دستور ریاست‌جمهوری به‌وضوح تغییری ناگهانی و اساسی در سیاست انرژی کشور ایجاد کرده که هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت کیفیت هوا را بهبود بخشد، اما با توجه به پیچیدگی‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از توقف مصرف مازوت، نیاز به راهکارهای جامع و پایدار برای مدیریت این بحران احساس می‌شود. ازاین‌رو راهکارهایی مانند سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، بهبود کیفیت مازوت تولیدی، مدیریت بهینه مصرف انرژی و تلاش برای کاهش اثرات تحریم‌ها می‌توانند از چالش‌های این سیاست کاسته و به تأمین برق پایدار کمک کنند. دستور رئیس‌جمهور که خود سابقه‌های طولانی در حوزه سلامت دارد، از یک دیدگاه سلامت‌محور ناشی می‌شود و نشان‌دهنده توجه او به اهمیت سلامت عمومی در همه سیاست‌ها ازجمله صنایع است. صنعتی و زیست‌محیطی است. این دستور در چارچوب نظریه «سلامت در/ برای همه سیاست‌ها» به‌عنوان بخشی از سیاست‌گذاری کلان دولت قابل تحلیل است؛ به این معنا که با تمرکز بر کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی و پیشگیری از بیماری‌های مرتبط با آلودگی، می‌تواند به بهبود درخورتوجهی در سلامت عمومی و ایجاد جامعه‌ای پایدار و سالم‌تر منجر شود. همچنین از منظر نظریه «سیاست عدم اقدام»، این دستور نوعی سیاست بازدارنده هشدار محسوب می‌شود که بدون تحمیل هزینه‌های سنگین بر کل مجموعه‌های انرژی کشور، به ۱۷ نیروگاه باقی‌مانده که از سوخت مازوت استفاده می‌کنند و مجموعه صنایع آلاینده هشدار داده و آنها را تشویق می‌کند تا با به‌کارگیری تدابیر بازدارنده، مسئولیت کاهش آلودگی را بپذیرند. این سیاست ممکن است در کوتاه‌مدت مؤثر واقع شود، اما موفقیت آن در بلندمدت به تعهد صنایع و نظارت دقیق دولت وابسته خواهد بود تا از پایبندی صنایع به اصول سلامت‌محور و کاهش آلودگی اطمینان حاصل شود.

انتخاب مجدد ترامپ می‌تواند فشارهای اقتصادی و بحران انرژی ایران را با تشدید تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی افزایش دهد، که پیامدهای آن شامل مشکلات تأمین تجهیزات، کاهش سرمایه‌گذاری و تولید و خاموشی‌های گسترده خواهد بود. امید است که با تمرکز بر دیپلماسی هوشمند و مدیریت بهینه مصرف انرژی، فرصت‌هایی برای کاهش پیامدهای منفی و تأمین نیازهای حیاتی کشور در حوزه انرژی سالم فراهم شود.